



## تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام محمد علی زحمت کش	جلسه	۳۳	تاریخ	۱۴۰۱/۰۹/۰۵
عنوان ۱	حجیت ظن				
عنوان ۲	ظنون خاصه				
عنوان ۳	سیره و اخواتها				
عنوان ۴	حدود حجیت سیره				
عنوان ۵	سیره عقلاییه				
عنوان ۶	احکام وضعی				

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ»

### حدود حجیت سیره

آخرین مبحث ما در سیره متشرعه و سیره عقلاییه، دربارهٔ حدودی است که به وسیلهٔ سیره - در صورت حجیت - قابل اثبات است؛ به عبارت دیگر دربارهٔ حدود حجیت سیره در صورت اثبات حجیت آن بحث خواهیم کرد به این معنا که مثلاً آیا امضای شارع نسبت به سیره عقلاییه، دلالت بر وجوب آن عمل می‌کند یا کاشف از استحباب یا کاشف از مطلق الجواز است؟ و در وضعیات نیز آیا کاشف از ترتب اثر است یا خیر؟ همچنین در سیره متشرعه، حدود حکمی که به وسیلهٔ آن اثبات می‌شود چیست؟

### سیره عقلاییه

در سیره عقلاییه در دو جنبه بحث می‌کنیم: در وضعیات و تکلیفیات.

### احکام وضعی

معنای شک در حکم وضعی این است که در این شک وجود دارد که آیا سببی که وجود دارد، منشأ اثر است یا منشأ اثر نیست. به عبارت دیگر، غالباً بحث ما در وضعیات، در ترتب اثر است؛ مثلاً اگر بحث می‌کنیم که بیع در چه صورتی صحیح است و یا اینکه معاطات، منشأ لزوم عقد می‌شود یا خیر. معنای اینکه شک می‌کنیم معاطات موجب لزوم عقد است یا خیر این است که آیا عقد فعلی - که از آن به معاطات تعبیر می‌کنیم - سبب این اثر است یا خیر؟ و یا اینکه سبب چه اثری است؛ سبب اثر صحت است یا سبب اثر لزوم است؟

بنابراین برگشت سیره عقلاییه بر یک حکم وضعی، ترتیب اثر دادن به یک سبب است؛ یعنی عقلاء، این فعل را برای آن اثر، سبب می‌دانند. در این صورت اگر امضای شارع را احراز کردیم، معنای امضای شارع، امضای این سببیت است؛ نه امضای آن سیره خاصه در زمان معین. استاد شهید به مسئله حیازت مثال می‌زنند<sup>۱</sup>. به این صورت که مثلاً سیره عقلاییه بر این قائم شده که حیازت، مملک است و اگر گفتیم این سیره عقلاییه مورد امضای شارع است، به این معناست که سببیت حیازت برای تملیک مورد امضای شارع است؛ نه صرفاً حیازت به آن مقداری که با امکانات محدود آن زمان قابل انجام بوده و عقلاء آن را منشأ تملیک می‌دانستند مورد تأیید واقع شده باشد.

خلاصه اگر در احکام وضعیه گفتیم سیره عقلاییه بر سببیت یک شیئی قائم شد و این سیره مورد امضای شارع قرار گرفت، به این معناست که امضای شارع به سببیت تعلق گرفته است؛ و به تعبیر استاد شهید امضای شارع به نکته سیره عقلاییه تعلق گرفته است<sup>۲</sup>. همواره امضای در سیره‌های عقلاییه قائم بر احکام وضعیه، چنین است؛ زیرا در احکام وضعیه، امر دائر بین وجود و عدم است؛ یعنی امر دائر است بین اینکه آیا این سبب اثر می‌کند یا اثر نمی‌کند؟ اگر این سیره مورد امضای شارع قرار گرفت، یعنی اثر می‌کند و دیگر تفاوتی ندارد که این مؤثر در سبب در مثال مذکور حیازت‌هایی باشد که در آن زمان مردم قادر به آن بودند یا حیازت‌هایی که امروزه با امکانات ممکن است به صورت گسترده انجام گیرد. ظاهرش این است که این امضاء، بر سببیت بر تملک تعلق گرفته است.

ممکن است گفته شود حکم سیره را در محدوده‌ای که در زمان شارع مورد امضاء قرار گرفته است، می‌توان اثبات کنیم؛ نه بیشتر<sup>۳</sup>؛ مگر اینکه نکته این سیره معلوم باشد و بگوییم در اینجا، نکته آن سیره، امضاء شده است. ما می‌گوییم در احکام وضعیه، امضاء، همواره امضای نکته است. به تعبیر دیگر به این دلیل که در احکام وضعیه، امر دائر بین وجود و عدم است، معنای اینکه حکم وضعی مورد قبول شارع قرار گرفته است این است که شارع، این عمل را منشأ آن اثر می‌داند؛ لذا امضای شارع، به معنای امضای سببیت است؛ نه اینکه به معنای امضای شکل سیره و حدود معین آن در زمان شارع باشد.

۱. الجهة الرابعة في مقدار مفاد الإمضاء للسيرة العقلانية وهل هو في حدود ما هو معمول به خارجاً وقام التعارف عليه في عهد المعصوم عليه السلام أو يكون الإمضاء أوسع من ذلك وضمن سعة دائرة النكته العقلانية لها التي قد تكون أوسع من مقدار الجري الخارجي، فالسيرة على سببية الحياة للتمليك مثلاً كان المقدار المعمول به منها خارجاً الحياة بالطرق والوسائل البدائية كالاعتراف والاحتطاب وأما مثل حيازة الطاقة الكهربائية لم يكن لها وجود آنذاك فهل المقدار المستفاد إمضاه يكون في دائرة تلك الموارد المعمول بها أم أوسع من ذلك؟ وهذا له آثار مهمة في الفقه. بحوث في علم الأصول؛ ج ۴، ص ۲۴۶.

۲. إن الإنصاف دلالة عدم الردع على إمضاء تمام النكته العقلانية التي هي أساس العمل الخارجي للعقلاء وملاكه في نظرهم، لأن المعصوم له مقام التشريع وإبلاغ أحكام الله سبحانه وتعالى وتصحيح أو تغيير ما ارتكز عند الناس من شرائع غير صحيحة ومثل هذا المقام أوسع مدلولاً من مجرد كونه ناهياً للمنكر الخارجي وأمرأ بالمعروف بل يدل بحسب ظهوره الحالي على أنه ناظر إلى النكات التشريعية الكبرى نفيًا أو إثباتًا فيكون لسكوته وعدم ردعه ظهور في إمضاء تمام النكته العقلانية للسيرة. بحوث في علم الأصول؛ ج ۴، ص ۲۴۶ و ۲۴۷.

۳. قد يقال: بأن السكوت وعدم الردع لا يدل على أكثر من إمضاء ما وقع خارجاً من عمل العقلاء وأما سعة نظر العقلاء من دون أن يقع جري خارجي على طبقها فلا يمكن أن يستكشف إمضاء الشارع لها من مجرد سكوته. بحوث في علم الأصول؛ ج ۴، ص ۲۴۶.

به عبارت دیگر، سیره در احکام وضعیه، سیره‌ای است که مبتنی بر یک بنای عقلایی است و این سیره، از آن بنای عقلایی کشف می‌کند؛ در این صورت، امضای شارع، امضای برخواسته از چنین بنایی است؛ لذا امضاء، امضای سببیت می‌شود و تفاوتی در مقداری که در زمان شارع صورت گرفته و بیش از آن وجود ندارد.

بنابراین، امضاء در احکام وضعیه، امضای اصل سببیت است و اگر شارع نخواهد اصل سببیت را امضاء کند، باید بیان کند. لذا اگر قرینه‌ای وجود داشته باشد که دلالت کند بر اینکه در موردی، سببیت فی نفسها مورد امضاء واقع نشده است؛ بلکه سببیت با قید خاص مورد امضاء واقع شده، نمی‌توان امضاء را امضای اصل سببیت دانست.

**سوال یکی از شاگردان:** در اینجا درست است اصل سببیت بالاجمال اثبات می‌شود؛ اما بحث در این است که حدود این سببیت چیست! یعنی در ده هزار هکتار نیز حيازت سبب است یا خیر؟ آیا در اراضی بسیار بزرگ نیز حيازت برای مالکیت سبب می‌شود یا خیر؟

**پاسخ استاد:** معنای اینکه حدود این سببیت را ندانیم این است که بنای عقلاء بر سببیت را احراز نکردیم. توضیح اینکه: سیره در اینگونه موارد نمی‌تواند سیره محض باشد؛ بلکه برگرفته از بنای عقلایی است و آن بنای عقلایی اگر بنای بر سببیت این سبب برای آن مسبب بود، هر جا این سبب وجود داشت، آن مسبب نیز وجود خواهد داشت و نمی‌توان بین سبب و مسبب قائل به تفکیک شد. به عبارت دیگر در این فرض سوال، شما احراز نمی‌کنید که شارع، نکته سیره را امضاء کرده است؛ بلکه آنچه احراز می‌کنید این است که شارع، همان مقدار خاص را امضاء کرده است. حرف ما این است که اگر ما از سیره این را بفهمیم که شارع آن نکته و بنای عقلایی پشت سیره - سببیت حيازت برای تملیک - را امضاء کرده است، نه شکل سیره را، در این صورت سببیت حيازت برای ملکیت در همه جا ثابت خواهد شد.

خلاصه اینکه اگر احراز شد که امضاء در احکام وضعیه، امضای نکته‌ای است که در پس سیره وجود دارد و یا امضای آن بنایی است که منشأ شکل‌گیری چنین سیره‌ای شده، ملاک در اثبات حکم شرعی، آن بنا یا آن نکته‌ای که پشت سیره وجود دارد خواهد بود. در وضعیات غالباً چنین است که نکته‌ای که پشت عمل به سیره وجود دارد، نکته سببیت است و اگر سببیت توسط شارع امضاء شد، کافی است برای اینکه ما آن شیء را برای آن اثر سبب بدانیم؛ مثلاً اگر عقد بیع را برای نقل و انتقال سبب دانستیم، بیع خانه و حیوان و... تفاوتی ندارد؛ مهم این است که بیع، منشأ اثر نزد شارع دانسته شده است.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين